

A Study of Jurisprudential Viewpoints about the Religious Preference of Prohibiting a Wife from Leaving Home by Her Husband¹

Razieh Yaghoobi Golverdi

PhD student, Department of Jurisprudence and Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
r.yagoobi^{9^}@gmail.com

Alireza Asgari

Assistant Professor, Department of Legal Jurisprudence, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
(Corresponding author). alireza.asgari^{^^}@gmil.com

Farajollāh Hedayatnia

Assistant Professor, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran.
hedayat^{é^}@yahoo.com

Abstract

One of the famous jurisprudential views on women's departure from home is the religious preference of prohibiting a wife from leaving home by her husband. With the purpose of delving deep into the above theory, the present research deals with the reasons by which some well-known jurists demand the preference of ordering women to stay at home and the favorability of putting them in detention. The research method is descriptive-analytic and the results showed that drawing inferences about the obligation of staying at home from the cited verses and Rawāyāt is difficult and that the acceptance of this view, especially in the current era, would lead to cases of corruption such as Osr and Haraj (hardship) for women, allocation of majority, and contradiction with the Qur'anic command of "consorting with them in an honorable manner". Due to rational corruption and contradiction with the Qur'anic commands, some traditions which obligate putting women in detention by their husbands should be interpreted by some other aspects rather than obligation. Therefore, the command of putting women in detention at home and prohibiting them from leaving is a guiding issue and rational advice with respect to social conditions in society.

Keywords: Prohibition of departure, Stay-at-Home, Women, Social Participation, Husband.

¹ Received: ۲۰۲۱-۰۴-۰۷; Revised: ۲۰۲۱-۰۵-۲۲; Accepted: ۲۰۲۱-۰۶-۱۳; Published online: ۲۰۲۲-۰۶-۲۲

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the author(s)



واکاوی دیدگاه فقهی استحباب منع خروج زن از منزل توسط شوهر^۱

راضیه یعقوبی گلوردی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. r.yagoobi^{۹۸}@gmail.com

علیرضا عسگری

استادیار، گروه فقه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). alireza.asgari^{۸۸}@gmail.com

فرج الله هدایت‌نیا

استادیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران. hedayat^{۴۷}@yahoo.com

چکیده

یکی از دیدگاه‌های مشهور فقهی در مورد خروج زنان از منزل، استحباب منع خروج زن از منزل توسط شوهر است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی نظریه فوق به بررسی دلایلی می‌پردازد که مستفاد از آنها، مشهور فقها، حکم به رجحان خانه‌نشینی زنان و مستحب بودن حبس آنان در منزل داده‌اند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که استنباط وجوب در خانه ماندن از آیات و روایات مورد استناد، دشوار بوده و پذیرش این دیدگاه به ویژه در عصر حاضر، مستلزم مفاسدی چون عسر و حرج برای زنان، تخصیص اکثر، تعارض با دستور قرآنی «عاشروهن بالمعروف» می‌باشد. روایاتی که مستفاد از آنها، حبس زنان در منزل توسط شوهر، واجب شمرده شده است، به دلیل مفاسد عقلی و تعارض با دستورات قرآنی، باید به وجوهی غیر از وجوب توجیه شود. بنابراین، امر به حبس زنان در خانه و منع خروج آنان، یک امر ارشادی و توصیه‌ای عاقلانه، با در نظر گرفتن شرایط جامعه بوده است.

کلیدواژه‌ها: منع خروج، استحباب، خانه‌نشینی، زنان، حضور اجتماعی، شوهر.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۸-۰۱-۱۴۰۰؛ تاریخ اصلاح: ۰۲-۰۳-۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۳-۰۳-۱۴۰۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۰۱-۰۴-۱۴۰۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

© نویسندگان



مقدمه

دیدگاه مشهور فقهی در مورد حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، عدم جواز حضور و استحباب منع خروج زنان از منزل، توسط همسرانشان است؛ به طوری که در نهایت جواز خروج از منزل به موارد ضروری مثل نیاز به مراجعه پزشک یا انجام واجباتی چون حج، منحصر می‌شود. طرفداران این دیدگاه برای اثبات نظر خویش، به آیات و روایات مختلفی استناد کرده‌اند. مشهورترین آیه‌ای که حکم لزوم خانه‌نشینی زنان، به آن استناد می‌شود، آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب است که خطاب به همسران نبی اکرم (ص) می‌فرماید: «و قرن فی بیوتکنن...». گذشته از آیات، روایاتی نیز وجود دارد که با عباراتی چون «فاحبسوهن فی البیوت» و «فاستروا العورة بالبیوت»، شوهران را دعوت به ممانعت از خروج زنان از منزل می‌نماید. واقعیت این است که پذیرش چنین دیدگاهی به طور مطلق، با مقتضیات زندگی در عصر جدید همخوانی ندارد و عسر و حرج برای زنان و مفاسد و پیامدهای منفی زیادی می‌تواند در پی داشته باشد؛ لذا، ضرورت دارد ادله نظریه مذکور، مورد واکاوی قرار گیرد.

این پژوهش با هدف نقد و بررسی دیدگاه فقهی «استحباب منع خروج زن از منزل توسط شوهر» انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است، که نظر مشهور فقها بر «استحباب منع خروج زن از منزل توسط شوهر»، بر چه دلایل شرعی استوار است؟ در مورد حضور زنان در اجتماع، پژوهش‌های زیادی انجام شده، اما کم‌تر به طور مستقل به بررسی دلایلی پرداخته شده است که مستند به آن، فقها به رجحان خانه‌نشینی زنان رأی داده‌اند. در این پژوهش، دلایلی از قرآن و سنت که مستفاد از آن، مشهور فقها حکم به استحباب منع خروج زن از منزل توسط شوهر داده‌اند، مورد واکاوی قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بوده و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

تبیین نظریه استحباب منع خروج زن از منزل توسط شوهر

اکثریت فقها - متقدم تا معاصر - ضمن فضیلت‌انگاری خانه‌نشینی زنان، حکم به وجوب یا استحباب در خانه ماندن و عدم حضور زنان در اجتماع داده‌اند. از آنجا که رأی به «خانه‌نشینی مطلق»، معذوریات عرفی، عقلی و شرعی فراوانی می‌تواند برای زنان به همراه داشته باشد، طرفداران وجوب خانه‌نشینی، حداکثر موارد ضروری مثل مراجعه به پزشک، تهیه اقلام مورد نیاز زندگی، انجام واجبات دینی مثل حج و ... را از این حکم کلی استثناء نموده‌اند، یا وجوب حبس و در خانه ماندن زنان را متوقف بر مواردی خاص می‌دانند. علامه مجلسی در «مرآة العقول»، دو وجه برای وجوب خانه‌نشینی و حبس زن بیان می‌نماید: «یدلّ علی لزوم منعنّ من الخروج من البیوت من غیر ضروره إماً وجوباً مع خوف الفتنه أو نظرهنّ الی الرجال علی تقدیر الحرمة او استحباباً فی غیر تلک الصوره» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۷۴)؛ روایت دلالت می‌کند که واجب است زنان نسبت به خروج از منزل منع شوند؛ مگر برای انجام کارهای ضروری یا در صورتی که ترس از ایجاد فتنه و فساد ناشی از حضور زن در بیرون خانه از وجود داشته باشد، یا خوف نگاه کردن زنان به مردان باشد (با فرض حرمت نگاه زن به مرد نامحرم). در غیر این موارد، حبس و خانه‌نشینی زن مستحب است.

برخی نیز، به طور کلی در خانه ماندن زنان و حبس آنان توسط همسر یا ولی او را، امری مستحب می‌دانند؛ لذا بهتر است زن جز در موارد ضروری از خانه خارج نشود؛ صاحب عروه الوثقی می‌نویسد: «یستحب حبس المرأة فی البیت فلا تخرج إلاً لضرورة و لا یدخل علیها أحد من الرجال» (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۹۰). شیخ جواد تبریزی در کتاب «صراط النجاه»، ضمن مستحب دانستن جلوس زن در خانه و عدم خروج جز در موارد ضرورت، یاد گرفتن احکام مبتلا به مکلف یا ضرورت‌های دنیوی مثل درمان بیماری یا صلح رحم را، به عنوان مصادیقی از ضرورت‌های خروج زن از منزل می‌داند (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۸، ص ۲۲۱). برخی از فقهای معاصر، دلیل عدم مشروعیت تصدی منصب قضا توسط زنان را این‌گونه نقل کرده‌اند: «زن نمی‌تواند متصدی منصب قضا باشد؛ زیرا مستلزم خروج او از منزل است و لازم است صدای خود را به گوش مردان برساند، در حالی که این امور در شرع، به طور واضحی نهی شده است» (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷). طرفداران این نظریه به دلایلی از آیات و روایات استناد کرده‌اند که پس از نقل استدلال به نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

بررسی دلایل استحباب منع خروج زن از منزل

آیات قرآن کریم

در قرآن کریم، آیات زیادی مؤید این نظر وجود ندارد؛ اما احادیث زیادی در منابع روایی یافت می‌شود که مورد استناد قرار گرفته است. در این مجال ضمن واکاوی ادله قرآنی، به نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

آیه ۳۳ سوره احزاب

مهم‌ترین دلیل قرآنی بر رجحان در خانه ماندن و عدم خروج زنان از منزل، بخش نخست آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب است، که خطاب به همسران پیامبر (ص) فرموده است: «وَقَرْنَ فِی بُیُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَىٰ...» در خانه‌های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیت نخستین، با خودآرایی ظاهر نشوید.

استدلال آیه

آیه ۳۲ سوره مبارکه احزاب با خطاب «یا نساء النبی» شروع شده است و در ادامه طی چند آیه، اوامر مهمی را به زنان پیامبر (ص) ابلاغ می‌کند؛ از جمله این دستورات، وجوب خانه‌نشینی زنان پیامبر است، که ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب با عبارت «قرن فی بیوتکن» آمده است.

در مورد وجوب در خانه ماندن همسران پیامبر، عده‌ای به قاعده اصولی تمسک کرده‌اند؛ که چون امر به شی مقتضی نهی از ضد است، پس در خانه ماندن زنان پیامبر واجب است (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۳۱). به عبارتی روشن‌تر، وقتی آیه امر می‌کند که در خانه‌های خود بمانید، از ضد این امر که «خروج از منزل» است، نهی شده‌اند. بنابراین، ترک منزل برای آنان جایز نیست، مگر برای تأمین حوایج زندگی یا نماز گزاردن در مسجد. ظاهر آیه شریفه، دلالت بر وجوب در خانه ماندن زنان پیامبر و عدم حضور آنان در اجتماع و میان مردم را دارد؛ اما، با الغای خصوصیت، می‌توان انحصار شمول حکم وجوب خانه‌نشینی برای زنان پیامبر (ص) را برداشت و به سایر زنان تسری داد، به نحوی که حکم اولیه تکلیفی برای همه زنان، وجوب خانه‌نشینی باشد.

قرطبی، مفسر اهل سنت در معنای «قرن فی بیوتکن» آورده است؛ معنی آیه شریفه، امر نمودن به در خانه ماندن است. هرچند خطاب آیه به زنان پیامبر است؛ ولی مسلم است که سایر زنان نیز مشمول حکم آیه هستند؛ حتی اگر دلیل دیگری (برای وجوب خانه‌نشینی زنان) وجود نداشته باشد همین آیه کفایت می‌کند. البته در شریعت پر است از دلایلی که بر لزوم خانه‌نشینی زنان و عدم خروج از منزل مگر به ضرورت، دلالت می‌کند؛ اما خداوند متعال (علی‌رغم اینکه حکم آیه شامل همه زنان می‌شود)، فقط زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داده است، تا نشان از گرامی داشتن آنان باشد (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۱۷۹؛ مغنیه، ۱۴۲۵ق، ص ۵۵۴؛ زهیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۲).

نقد و بررسی

به لحاظ اهمیت آیه شریفه، ابتدا به واژه شناسی «قرن»، سپس به نقد و بررسی محتوایی خواهیم پرداخت.

واژه‌شناسی قرن

در مورد این واژه دو قرائت وجود دارد: قرائت عاصم و اهل مدینه (نافع) «قَرْنٌ» یعنی با فتحه بوده؛ اما در بقیه قرائات (و از جمله در روایت هبیره از حفص از عاصم) به صورت «قِرْنٌ» یعنی با کسره آمده است (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۵۵۷). درباره ماده «قَرْنٌ» دو نظر بیان شده است، «قرر» یا «وقر» (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۵۵۷)؛ برخی از اهل لغت، این کلمه را در ذیل هر دو ماده بحث کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶۲، ۸۸۰). کسانی که «قرن» را از ماده «وقر» دانسته‌اند، این آیه را دستوری به مفهوم «باوقار بودن» زنان پیامبر بیان کرده‌اند؛ و کسانی که آن را از ماده «قرر» دانسته‌اند، این آیه را دستوری به استقرار و قرار داشتن (در خانه) دانسته‌اند. از آنجا که در هر صورت در آیه کلمه «فی بیوتکن» در خلنه‌هایتان» وجود دارد، این آیه را دلالت بر حفظ حرمت اجتماعی زنان پیامبر با ماندن در خلنه و پرهیز دادن آنها به استفاده از موقعیت خود برای حضور و نقش‌آفرینی در جامعه دانسته‌اند.

بررسی اشکالات استدلال به آیه شریفه

استنباط دو احتمال از آیه

چنانچه در بررسی «قرن» روشن شد، از اختلاف در قرائت و ماده این واژه، دو احتمال متفاوت از آیه مذکور مستفاد می‌شود؛ احتمال اول اینکه، طبق ماده «قرر» خداوند به زنان پیامبر دستور می‌دهد در خانه‌هایشان بمانند و از آن خارج نگردند؛ اما طبق ماده «وقر» باید گفت، خداوند دستور می‌دهد که زنان پیامبر حتی وقتی در داخل خانه خود هستند نیز، وقار و سنگینی خود را حفظ نمایند. طبق قاعده اصولی معروف «اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال»، وقتی در مسئله‌ای دو یا چند احتمال متفاوت وجود دارد، از اساس آن استدلال بی‌اعتبار می‌شود، در خصوص خانه‌نشینی زنان پیامبر نیز ابهام به وجود می‌آید؛ چرا که در همه احتمالات به اندازه مساوی، گمان درستی می‌رود و چون دلیلی برای برتری یکی از احتمالات وجود ندارد و اگر یکی از احتمالات بدون دلیل برگزیده شود، ترجیح بلامرجح پیش می‌آید؛ از اساس، استدلال مذکور بی اعتبار خواهد شد. لذا، با استناد به آیه شریفه نمی‌توان، به طور قطعی، وجوب خانه‌نشینی زنان پیامبر (ص) را احراز و اثبات نمود، وقتی نتوان وجوب حکم در خانه ماندن را برای مخاطبان اصلی آیه که همسران نبی اکرم هستند، اثبات نمود، به طریق اولی، استدلال و اثبات لزوم خانه‌نشینی زنان با استناد به آیه شریفه نیز، مورد مناقشه خواهد بود.

دشواری در الغای خصوصیت از آیه

با فرض پذیرش احتمالی که به موجب آن خانه‌نشینی برای همسران پیامبر اکرم (ص) واجب است، الغای خصوصیت و تسری حکم و وجوب خانه‌نشینی به همه زنان مشکل خواهد بود؛ زیرا با توجه به نص آیات قبلی، میان همسران پیامبر با سایر زنان تفاوت وجود دارد. آیه ۳۲ سوره احزاب می‌فرماید: «یا نساء النبی لستنّ کأحدٍ من النساء ان التقیتنّ؛ ای همسران پیامبر، شما مثل یکی از زنان (عادی) نیستید». لذا، آنان ملزم به رعایت شئون خاصه بودند که شاید برای سایر زنان واجب نباشد و در واقع آیه در صدد بیان حکمی خاص برای همسران پیامبر بوده است. از این نمونه احکام خاص، برای همسران پیامبر، در موارد دیگری نیز یافت می‌شود؛ مثلاً ازدواج مجدد همسران پیامبر بعد از فوت ایشان حرام شد، که این حکم به خاطر رعایت مصالح و اجتناب از مفاسد احتمالی ازدواج مجدد آنان مثل هتک حرمت نبی اکرم به وسیله افراد سودجو و... تنها برای زنان پیامبر قرار داده شد.

ممکن است گفته شود، می‌توان حکم آیه شریفه را به همسران علما، بزرگان سیاسی و دینی و... تسری داد، چنانچه برخی به آن اشاراتی داشته‌اند (سبحانی، ۱۳۹۸/۲/۸)؛ یعنی الغای خصوصیت از آیه شریفه را محدود به همسران افراد مشهور جامعه نمود. به بیانی دیگر، به سبب جایگاه خاص رسول اکرم (ص) در میان امت اسلامی و حساسیت و توجه جامعه بر جزئیات زندگی ایشان، از جمله رفتارهای اجتماعی زنان پیامبر، حضور بدون محدودیت و همسان با سایر زنان جامعه، اسباب مفاسد یا سوء استفاده‌هایی را می‌توانست ایجاد کند؛ لذا ضروری بوده است، تا اندازه و کیفیت فعالیت آنان در جامعه با سایر زنان متفاوت باشد و این مسئله یکی از مهم‌ترین مصلحت‌های حکم آیه شریفه می‌تواند باشد. در نتیجه می‌توان همین مصلحت را در مورد همسران رجال و اعظام دینی، سیاسی و... نیز، یافت نمود و با الغای خصوصیت، حکم آیه را به همسران آنان نیز تسری داد. لذا، همسران افراد مشهور جامعه که سبب موقعیت اجتماعی شوهرانشان، زیر ذره‌بین انظار عمومی هستند، بهتر است با رعایت بیشتری در جامعه فعالیت داشته باشند. هرچند این احتمال در نگاه اول، دور از ذهن نیست؛ اما همان اشکالاتی که در تسری حکم به سایر زنان وجود دارد، در اینجا نیز وارد می‌شود.

عدم تغییر الگوی رفتاری نبی اکرم (ص)، همسران پیامبر و سایر زنان پس از نزول آیه

با بررسی روایات و گزارشات تاریخی در می‌یابیم که حتی پس از نزول این آیه، نه پیامبر همسران خود را در منزل محبوس نمودند و نه همسران ایشان به این عمل مبادرت ورزیدند. به عنوان نمونه پیامبر در بیشتر سفرهای خود یکی از همسران خود را به قید قرعه با خود به سفر می‌برد، یا اینکه همسران حضرت رسول، برای رفع نیازهای شخصی و روزمره، شخصاً به بیرون از منزل می‌رفتند. همچنین در مورد امامان و سیره مسلمانان نیز همین رویکرد دیده می‌شود.

تعارض با فلسفه نزول آیات حجاب

آیات حجاب و قوانین پوشش بانوان، نه برای هنگام حضور زن در خانه و بدون مواجهه با نامحرم، بلکه برای مهیاء نمودن شرایط سالم جهت حضور زن در اجتماع است. در غیر این صورت، زنی که در پستوی خانه خود محبوس است و مراد و ملاقاتی با نامحرم ندارد، نیازی هم به پوشش و حجاب شرعی نخواهد داشت. این نکته با این قسمت از آیه تأیید می‌شود: «ذلک أدنی أن یعرّفن فلا یؤذین» این حجاب برای این است که شناخته شوید، ولی مورد آزار و اذیت قرار نگیرید.

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است، بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند، چنین چیزهایی وجود داشته است، ولی در اسلام وجود ندارد. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشانند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است» (مطهری، بی‌تا، ص ۷۲).

آیه ۵۳ سوره احزاب

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...؛ چون از زنان پیامبر(ص) چیزی خواستید، از پشت پرده (حجاب) از آنها بخواهید، این برای دل‌های شما و دل‌های آنها پاکیزه‌تر است».

آیه مورد بحث، یکی از آیات مربوط به حجاب و پوشیدگی است، در شأن نزول این آیه، مفسران چنین آورده‌اند: هنگامی که رسول خدا با «زینب بنت جحش» ازدواج کرد، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد، انس که خادم مخصوص پیامبر بود، می‌گوید: پیامبر به من دستور داد: اصحابش را به غذا دعوت کنم. من همه را دعوت کردم، دسته دسته می‌آمدند، غذا می‌خوردند و از اطاق خارج می‌شدند، تا اینکه عرض کردم: «ای پیامبر خدا! کسی باقی نمانده که من او را دعوت نکرده باشم».

فرمود: اکنون که چنین است، سفره را جمع کنید، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند، اما سه نفر همچنان در اطاق پیامبر ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند. هنگامی که سخنان آنها به طول انجامید، پیامبر برخاست و من نیز همراه او برخاستم؛ شاید آنها متوجه شوند و از منزل خارج شوند. پیامبر بیرون آمد تا به حجره «عایشه» رسید، بار دیگر برگشت، من هم در خدمتش آمدم، باز دیدم همچنان نشسته‌اند، آیه فوق نازل شد و دستورات لازم را در برخورد با این مسائل به آنها تفهیم کرد (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۵۷۴). همچنین، از بعضی قرائن دیگر برای مفهوم این آیه استفاده می‌شود؛ به طور مثال بیان می‌کنند که گاهی، همسایگان و سایر مردم، طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیائی نزد بعضی از زنان پیامبر می‌آمدند، هرچند آنها طبق سادگی زندگی آن زمان کار خلافی مرتکب نمی‌شدند، ولی برای حفظ حیثیت همسران پیامبر، آیه فوق نازل شد، و به مؤمنان دستور داد: هرگاه می‌خواهند چیزی از آنها بگیرند از پشت پرده بگیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۷، ص ۳۹۷).

شأن نزول‌های دیگری هم وارد شده که همه در مورد رعایت آداب حضور در منزل پیامبر یا برخورد با همسران ایشان است؛ «ابن عباس گفت: قومی از مسلمانان گاهی و بیگاه به خانه حضرت رسول وارد می‌شدند، طعام می‌خوردند، پیش از رسیدن طعام می‌رفتند و دراز می‌نشستند تا طعام فرا رسد، رسول خدا به این سبب رنجور دل می‌شد و...» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۸۲). یا این شأن نزول که در «منهج الصادقین» نقل شده است: «مجاهد روایت کرد از عایشه که با رسول خدا طعام می‌خوردم، عمر پیدا شد. رسول خدا او را به طعام دعوت نمود. او بیامد و طعام خوردن مشغول شد. در اثنای طعام خوردن، انگشت او به انگشت من خورد، رسول از این کراهت آمد، آیه حجاب نازل شد. و از مجاهد مروی است که سبب نزول آیه حجاب آن بود که روزی جمعی نزد رسول آمدند در خانه عایشه و آنجا مکث نمودند، رسول بفرمود تا طعام بیاورند و در اثنای طعام آوردن، عایشه نیز تردد می‌کرد و طعام و اسباب آن حاضر می‌ساخت؛ اتفاقاً دست مردی بر دست عایشه رسید، رسول را از این کراهت آمد و...» (کاشانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۱۷).

استدلال آیه

دو مسئله از آیه شریفه مذکور، مورد بحث حاضر است:

یکی اینکه آیه شریفه چه دستوری به همسران پیامبر می‌دهد؛ آیا «فاسئلو من وراء حجاب» دلالت بر لزوم پرده‌نشینی همسران رسول‌الله دارد، یا معنای دیگری مراد بوده است؟

دوم اینکه، حکم آیه شامل چه کسانی می‌شود؟ آیا صرفاً زنان مزدوج با نبی اکرم، مکلف به رعایت حکم وارد در آیه هستند، یا به سایر زنان نیز حکم آیه تسری می‌یابد؟

در پاسخ به سؤالات مطروحه باید گفت؛ اکثریت مفسرین و فقها، از آیه شریفه، لزوم پرده‌نشینی زنان پیامبر را استنباط کرده‌اند و با اینکه آیه به طور واضحی، همسران پیامبر را مورد خطاب قرار داده است، همچون آیه پیشین، با الغای خصوصیت، حکم آیه را به سایر زنان نیز تسری داده‌اند.

در «احکام القرآن» جصاص آمده است: «اذا سالتموهن متاعا فاسئلوهن من وراء حجاب... قد تضمن حظر رویه ازواج النبی ص و بین به ان ذالک اطهر قلوبهم و قلوبهن لان نظر بعضهم الی بعض ربما حدث عنه الميل و الشهوه فقطع الله بالحجاب الذی اوجبه هذا السبب قوله تعالی و ماکان الله لکم توذو رسول الله یعنی بها بین فی هذه الایه من ایجاب الاستئذان و ترک الاطاعه الحدیث» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۴۲) آیه مذکور منع از نگاه کردن و رویت همسران پیامبر را در برمی‌گیرد، در آیه چنین تبیین شده که این کار به پاکی قلب‌های دو طرف نزدیک‌تر است؛ زیرا ممکن است نگاه کردن به همسران پیامبر، باعث ایجاد شهوت و میل ناروایی شود؛ پس خداوند اتمال چنین میل و شهوت ناروایی را به وسیله وجوب پرده‌پوشی قطع کرده است.

جصاص در ادامه، حکم آیه فوق را به همه زنان تسری می‌دهد: «... و هذا الحکم ان نزل خاصا للنبی ص و ازواجه فالمعنی عام فیه و فی غیره اذ کنا مامورین باتباعه الا ما خصه الله به دون امته...؛ و این حکم اگرچه در مورد پیامبر و همسران ایشان وارد شده است، اما معنای عامی دارد که شامل (همسران) پیامبر و سایر زنان نیز می‌شود، و ما مأمور به پیروی از پیامبر هستیم، مگر در (احکامی) که خداوند اختصاص به پیامبر داده است، بدون آنکه آن حکم، در مورد امت ایشان جاری باشد».

قرشی در «قاموس قرآن» نیز، به همین رأی ملتزم شده است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴). قرطبی مفسر اهل سنت علاوه بر تفتیح مناط و تسری حکم به همه زنان، حرمت شنیدن صدای زن توسط نامحرم را نیز از آیه استفاده نموده است (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۲۲۷).

همچنین برخی، حکم آیه را صرفاً برای زنان پیامبر جاری دانسته‌اند، نه همه زنان. نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است، که منظور از «حجاب» در این آیه، پوشش زنان نیست؛ بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبر بوده است و آن اینکه، مردم مؤظف بودند به خاطر شرایط خاص همسران پیامبر، هرگاه می‌خواهند چیزی از آنان بگیرند از پشت پرده باشد، و آنها حتی با پوشش اسلامی در برابر مردم در این گونه موارد ظاهر نشوند. البته این حکم درباره زنان دیگر وارد نشده و در آنها تنها رعایت پوشش کافی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۷، ص ۴۰۱).

نقد و بررسی

برای اینکه مراد آیه از عبارت «من ورائ حجاب» مشخص شود، باید نکاتی را متذکر شویم. آیه از ابتدا، دستوراتی را خطاب به مسلمانانی که قصد ورود به خانه پیامبر را دارند، بیان می‌نماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ...»؛ ورود به خانه پیامبر فقط در صورت اجازه ایشان جهت صرف غذا.

«غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا...»؛ عدم انتظار و درخواست آوردن غذا قبل از آماده شدن.

«فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا...»؛ متفرق شدن و ترک منزل پیامبر، پس از صرف غذا.

«وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ...»؛ عدم گفتگو و دورهم نشینی بعد از غذا در خانه پیامبر.

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...»؛ درخواست کردن از زنان پیامبر از پشت حجاب.

«وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أُزْوَاجَهُنَّ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا...»؛ عدم ازدواج با زنان پیامبر بعد از فوت ایشان.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آیه، برخی آداب و مقررات برای ورود به خانه پیامبر و لزوم حریم‌داری در ارتباط با همسران ایشان را بیان می‌کند. چنانچه شأن نزول‌هایی هم که در مورد آیه شریف آمده است و قبلاً ذکر شد، مؤید این برداشت است. شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «عرب‌های مسلمان بی پروا وارد اتاق‌های پیغمبر می‌شدند. زن‌های پیغمبر (ص) هم در خانه بودند. آیه نازل شد که اولاً سرزده و بدون اجازه وارد خانه پیغمبر نشوید و اگر برای صرف غذا دعوت شدید به موقع بیایید و بعد هم برخیزید و بروید و به قصه‌گویی و صحبت‌های متفرقه وقت نگیرید؛ زیرا این امور پیغمبر را ناراحت می‌کند و او شرم می‌کند شما را از خلنه خود بیرون کند... ثانیاً، وقتی می‌خواهید چیزی از زنان پیغمبر بگیرید، از پشت پرده بخواهید بدون اینکه داخل شوید» (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۹۸).

بنابراین، با توجه به عرف عرب جاهلیت آن زمان، که وارد شدن به منزل دیگران بدون اذن و اجازه از مفاخر آنان به شمار می‌رفت؛ قرآن کریم با ابلاغ این دستورات، هم این عرف و سنت رایج و باطل اعراب را رد نمود و هم با توجه به شأن و منزلت زنان پیامبر که در آیات قبل به آن متذکر شده است (که زنان پیامبر همسران زنان دیگر نیستند)، از مردان مؤمن می‌خواهد در هنگام حضور در منزل پیامبر یا مراجعه به درب منزل ایشان، حریم ارتباط با همسران نبی اکرم را حفظ کنند و از پشت پرده آنچه را نیاز دارند، از آنان مطالبه کنند و به رسم جاهلیت، سرزده وارد منزل همسران ایشان، چه در زمان حضور پیامبر و چه در زمان نبودن ایشان، نشوند. نکته بعدی این است، که آیه با عبارت «یا ایها الذین امنوا» شروع می‌شود و مردان مؤمن را مورد خطاب قرار می‌دهد، نه همسران پیامبر را؛ بنابراین، بیش از آنکه از آیه لزوم پرده‌نشینی زنان پیامبر استفاده شود، وجوب حفظ حریم ارتباط با همسران نبی اکرم از سوی مردان مسلمان محتمل خواهد بود. به طوری که مستفاد از آیه شریفه می‌توان گفت، زنان پیامبر بعد از نزول آیه، هم اجازه حضور در اجتماع را مانند قبل داشتند، اما حدود و نحوه ارتباط و رفتار مردان مؤمن با آنان در هنگام مراجعه به منزل پیامبر، تغییر پیدا کرد. بر فرض هم، مستند به روایات و گزارشات تاریخی، خانه‌نشینی همسران نبی اکرم بعد از نزول آیه شریفه ثابت شود، تنقیح مناظ و سرایت حکم به سایر زنان موجه نیست؛ زیرا سیاق کلی آیه در رابطه با آداب حضور مردان مؤمن در منزل پیامبر و چگونگی برخورد با همسران ایشان است. لذا تعمیم حکم به سایر زنان بدون وجه خواهد بود. به خصوص اینکه، بعد از نزول آیه، نقل تاریخی بر تغییر رفتار واضح در سایر زنان مسلمان گزارش نشده است.

جمع‌بندی بررسی آیات

با توجه به آنچه در نقد و بررسی آیات فوق گفته شد، مخاطبان اصلی آیه، همسران نبی اکرم هستند. لذا، الغای خصوصیت و تسری دادن حکم خانه‌نشینی به آنان چندان موجه به نظر نمی‌رسد؛ ثانیاً، حتی در مورد خود همسران پیامبر هم نمی‌توان به قطع وجوب و الزام به خانه‌نشینی و عدم حضور در اجتماع را استفاده نمود. چنانچه همراهی زنان پیامبر با ایشان در سفرها و رفت و آمد به بیرون منزل جهت انجام امور شخصی، مؤید این مطلب است. بنابراین، منظور آیه، عدم حضور همسران پیامبر یا سایر زنان در اجتماع و انظار عمومی به طور مطلق یا فقط برای رفع حوائج ضروری نیست؛ بلکه به قرینه جمله بعدی، منظور این است که آنان مانند زمان جاهلیت، نباید در اجتماعات مردان حاضر شوند و لازم است در ارتباط با آنان حریم نگه دارند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

دیگر آنکه، در رابطه با همسران پیامبر، با فرض پذیرش وجوب، تعبیر به در خانه ماندن شاید به جهت مصون ماندن از انحرافات یا سوء استفاده‌های سیاسی افراد مغرض بوده باشد؛ چنانچه شهید مطهری در این مورد می‌نویسد: «قرآن کریم صریحاً به زنان پیغمبر می‌گوید: «و قرن فی بیوتکن» یعنی در خانه‌های خود بمانید. اسلام می‌خواسته است، «امهات المؤمنین» که خواه، ناخواه احترام زیادی در میان مسلمانان داشتند، از احترام خود سوء استفاده نکنند، و احیاناً ابزار عناصر خودخواه و ماجراجو در مسائل سیاسی و اجتماعی واقع نشوند» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۷۴).

گزارشات متعدد تاریخی از حضور همسران پیامبر در جامعه و همچنین، نقش‌آفرینی زنان مسلمان بعد از رحلت نبی اکرم، مثل دفاع حضرت فاطمه زهرا (س) از ولایت علی بن ابیطالب (ع) و خطبه‌خوانی ایشان، یا ملاقات خلفا از حضرت زهرا در بستر بیماری و حتی حضور زنان در کاروان کربلا و نقش‌آفرینی ماندگار حضرت زینب (س) در حادثه عاشورا، همچنین، خطبه‌خوانی ایشان در مجلس یزید و... بر این دریافت از آیه، مهر صحت می‌گذارد. بنابراین، مقصود از دستور آیه این است که زن به منظور خودنمایی و بدون رعایت حدود شرعی از خانه بیرون نشود و این وظیفه در مورد زنان پیامبر مؤکدتر است (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶). به نظر می‌رسد با استناد به این آیه نمی‌توان، وجوب خانه‌نشینی برای همه زنان را اثبات نمود.

در رابطه با آیه ۵۳ سوره احزاب نیز چنانچه گفته شد، خطاب آیه متوجه مردان مؤمنی است که قصد رفت و آمد و ورود به منزل پیامبر دارند، که ملزم به رعایت حدودی شدند. لذا وجوب پرده‌نشینی زنان پیامبر هم از این آیه به طور قطع ممکن است ثابت نشود، بر فرض اثبات، تسری وجوب خانه‌نشینی به سایر زنان، بدون وجه است.

روایات

روایات در این مسئله به چهار دسته تقسیم می‌شوند: روایات لزوم حبس زن؛ روایات عورت دانستن زنان؛ روایات لزوم تحصین زن؛ روایات لزوم پوشیده و پنهان نگاه داشتن زن.

به جهت شباهت عبارات و مضامین روایات، به ذکر چند نمونه از روایات، اکتفا می‌کنیم.

فراوانی روایات، نشان می‌دهد، در حد مستفیض^۱ هستند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۶۵) و تعبیری از روایات مذکور مانند «فاحبسوا»، «فاحبسوهن فی البیوت»، «فحصنوهن فی البیوت» و «واروا عوراتهن بالبیوت» که با صیغه امر آمده‌اند، ظهور در وجوب برای در خانه نگاه داشتن و در خانه ماندن زنان دارد.

۱- روایت مستفیض به خبری گفته می‌شود که روایانش زیاد بوده، ولی به حد تواتر نرسیده است.

نقد و بررسی

گذشته از اشکالات سندی که به برخی از این روایات به دلیل مرسله بودن وارد است، اشکالاتی بر پذیرش لزوم منع زنان از خروج از منزل وارد است:

تعارض با دستور قرآنی «و عاشروهن بالمعروف»

این روایات با مفاد آیاتی که مردان را دعوت به حسن معاشرت با زنان نموده است، منافات دارد. قرآن کریم در سوره نساء می‌فرماید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» و با آنان شایسته رفتار کنید و اگر ایشان را نمی‌پسندید (بدانید) چه بسیار چیزی را ناپسند می‌دارید و خداوند در آن خیری بسیار نهاده است» (نساء، ۱۹).

راغب در مفردات می‌نویسد: «معروف، نام هر کاری است که عقل یا شرع حسن آن را درک می‌کند و منکر، هر کاری است که عقل یا شرع آن را زشت و ناپسند بداند. لذا به میانه‌روی در بخشش معروف گفته می‌شود؛ زیرا از منظر عقل و شرع پسندیده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۲). همچنین نگارنده «تفسیر المنار» معتقد است که: «با زنان بر اساس معروف معاشرت کنید؛ یعنی ای اهل ایمان، بر شما واجب است که معاشرت و رفتار با زنان را نیکو سازید! بدان‌سان که همزیستی و در آمیختن شما با ایشان باید بر پایه معروف و آنچه که زنان آن را می‌شناسند و طبع ایشان با آن دمساز است، باشد. البته اگر از سوی شرع، عرف و مروت، چنان رفتاری منکر و ناپسند نباشد» (رشیدرضا، بی‌تا، ص ۱۴). علامه طباطبائی «عاشروهن بالمعروف» را اینگونه تفسیر می‌کند: «کلمه «معروف» به معنای هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند، و آن را انکار نکنند، و بدان جاهل نباشند، و چون دستور به معاشرت کردن با زنان را مقید فرمود به قید «معروف»، قهراً معنای امر به معاشرت با زنان معاشرتی است که در بین مأمورین به این امر، یعنی مسلمانان معروف باشد و معاشرتی که از نظر مردان معروف و شناخته شده و در بین آنها متعارف است» (طباطبائی، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۵۵).

بنابراین، حدود و قیود معروف با توجه به احکام شرعی و موازین عقلی و عرفی تعیین و تفسیر می‌شود. در شرایط جامعه کنونی، یکی از موارد حسن معاشرت با زن به رسمیت شمردن حق آزادی مشروع زن برای حضور و نقش‌آفرینی در جامعه است، که با نیازها و توانمندی‌های زنان هماهنگی دارد. حبس زن در خلنه، به خصوص در مواردی که خروج و حضور آنان در جامعه با حقوق شرعی همسر منافات ندارد و مفسده‌ای نیز بر حضور و فعالیت اجتماعی آنان مترتب نیست، آن هم برای زنانی که از مهارت خاص یا تحصیلات برخوردار هستند، با تضييع توانمندی، علاقه و استعداد آنها می‌تواند، خود از موارد نقض عشرت به معروف باشد.

ایجاد عسر و حرج

اگر بخواهیم مستفاد از روایات، حکم به لزوم منع شوهر به خروج زن از منزل نماییم، با توجه به شرایط زندگی در عصر جدید، قطعاً برای زن عسر و حرج پیش خواهد آمد. الزام یک شخص به حضور مستمر و دائمی در یک مکان و انحصار جواز حضور، به موارد ضروری خود با حق آزادی که یک نیاز فطری در وجود هر انسانی است، منافات دارد. لذا مستند به آیات و روایات، در برهه‌ای از زمان، از حبس خانگی برای مجازات زانی استفاده می‌شد که ارتکاب به فحشا در مورد آنان اثبات شده بود.

آیه ۱۵ سوره مبارکه نساء به این حکم اشاره دارد: «وَأَلَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَحْشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّهِنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»؛ هرچند همین حکم نیز بعداً منسوخ شد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۳۴). از آنجا که قاعده نفی حرج بر همه احکام اولیه حکومت دارد، مستند به این قاعده، لزوم اجرای چنین حکمی رفع می‌شود.

ایجاد تخصیص اکثر

پذیرش این نظریه مستلزم ایجاد تخصیص اکثر می‌باشد، زیرا پرواضح است، موارد متعددی در فقه برشمرده شده است که خروج زن از منزل برای انجام آنها را جایز می‌داند؛ مثل امور پزشکی، یا یادگرفتن احکام یا انجام حج و... هرچند فقها این امور را تحت عنوان امور ضروری استثنا کرده‌اند، اما با اندکی تأمل و با در نظر گرفتن شرایط زندگی در عصر جدید، آشکار می‌شود که به قدری فراوانی این موارد زیاد است، که از حالت استثنایی و ضرورت خارج می‌گردد؛ در نتیجه، احتمال تخصیص اکثر به طور جدی مطرح خواهد بود. بنابراین، هرچند روایات فوق به صورت ابتدایی، ظهور در وجوب حبس زنان و عدم خروج از منزل را دارد؛ اما دلایل نقلی و عقلی فراوانی وجود دارد که از آنها جواز مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی که مستلزم خروج از منزل است، استنباط می‌شود. جهت حل تعارض این ادله -که هریک در جای خود مورد بررسی قرار خواهند گرفت- باید از ظهور اولی روایات دست برداریم و آنها را حمل بر جوهری دیگر نماییم؛ چنانچه بسیاری از فقها به آن ملتزم شده‌اند. در تقریرات درس خارج یکی از فقهای معاصر آمده است: «گویا عدم وجوب ابقاء در بیوت زنان، امری مسلم و واضح بوده است و به قرینه این اجماع باید روایات، به گونه‌ای دیگر غیر از وجوب معنا شود (شب زنده‌دار، ۱۳۹۷/۰۹/۱۷).

توجیه روایات

در توجیه روایات مذکور، چند احتمال مختلف را می‌توان مطرح نمود: وجه اول؛ این است که روایات را حمل بر استحباب کنیم، چنانچه برخی از فقها به این نظر ملتزم شده‌اند، صاحب عروه در مسئله پانزدهم از مقدمات نکاح می‌نویسد: «يُسْتَحَبُّ حَبْسُ الْمَرْأَةِ فِي الْبَيْتِ وَ لَا تَخْرُجُ إِلَّا لِلضَّرُورَةِ وَ لَا يَدْخُلُ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ» (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۸۳) فقهای زیادی بر بخش نکاح عروه، حاشیه دارند؛ اما بر این مطلب، نقد و نظری نداده‌اند، احتمالاً این استحباب را پذیرفته‌اند. البته صاحب عروه، موارد ضروری را از این استحباب خارج دانسته است. وجه دوم این است، که از روایات مذکور، مطلق کراهت خروج زن از خانه استنباط می‌شود، نه وجوب در خانه ماندن زنان. به بیانی دیگر، به طور کلی خروج زن از منزل از منظر شارع مقدس، امری مکروه و نکوهیده است؛ اما اگر خروج زن از منزل مفسده‌ای به دنبال داشته باشد، حرام می‌شود و در غیر این صورت، بدون آنکه حرام باشد، کراهت دارد: «النِّسَاءُ عِيٌّ وَ عَوْرَةٌ، فَاسْتَرُوا الْعَوْرَةَ بِالْبُيُوتِ» یا «فاحبسوهن فی البیوت». این احکامی که بر عورت بودن زن متفرع شده، بلا اشکال واجب و الزامی نیست و بیرون رفتن زن از خانه و امثال آن حرام شرعی نیست؛ البته اگر حکم وجوب ستر را مطابق فتاوا رعایت کرده باشد. بنابراین، روایات مزبور درصدد بیان یک حکم اخلاقی و یک اصل اولی اخلاقی (مستور بودن زن) هستند و به بحث پژوهش حاضر که مربوط به وجود الزام شرعی است، مربوط نمی‌شود. به عبارت دقیق‌تر، این روایات دلالت بر مطلق کراهت خروج از خانه برای زنان دارد که برخی مراتب آن حرام و برخی دیگر مکروه است و عنوان جامع، همان مطلوبیت ترک خروج از بیوت است (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۱۸).

بر مبنای وجه سوم، امر در روایات، امر مولوی نیست، بلکه امری ارشادی است. لذا، نه وجوب و نه استحباب دارد. در واقع امر به در خانه ماندن به عنوان راهکاری برای حفظ کرامت و عفت و حیای زنان بیان شده است؛ همان‌گونه که برای حفظ مردان چنین امری دارند؛ مانند «فَكُنْ جُلُوسًا مِنْ أَجْلَسِ بَيْتِكَ» یا «الزَّمُوا بِيُوتِكُمْ». وقتی برای مردان در خانه بودن بهترین است برای خانم‌ها به طریق اولی بهتر از بهترین خواهد بود (شب زنده‌دار، ۱۸/۹/۱۳۹۷). در این خصوص می‌توان بیان کرد، امر در روایات مذکور، یک راه‌حل عقلانی را با در نظر گرفتن جمیع شرایط حاکم در جامعه عصر صدور روایات، ارائه کرده است؛ بدین مفهوم که شاید در آن زمان، با توجه به فقر فرهنگی، رواج بی بندوباری و فساد در جامعه عرب، بهترین راه حل برای حفظ زنان از فساد، آسیب‌های جنسی و اخلاقی، توصیه به در خانه ماندن و اشتغال به کارهای درون منزل بوده باشد. از طرفی، با توجه به استضعاف فکری اکثریت قشر زنان عصر معصومین (ع) و عدم داشتن مهارت لازم جهت نقش‌آفرینی مثبت و سازنده در جامعه، شاید مفاسد حضور زنان در جامعه آن زمان بسیار بیشتر از مصلحت حضور آنان بوده باشد.

وجه چهارم؛ برخی مراد از «تحصین بالبیوت» را به ازدواج با خاندان‌های شریف تفسیر کرده‌اند، در واقع واژه‌های بیوت و تحصین در روایات را در غیر از معنای مشهور و رایج تفسیر کرده‌اند. یکی از فقهای معاصر در درس خارج فقه خود ذیل توجیه روایات مذکور، این احتمال را چنین مطرح می‌کند: «کلمه «بیوت» در ادبیات عرب، به معنای شرافت، خاندان محترم و کسانی که اهل آداب و محافظات بر امور اخلاقی هستند، می‌باشد. در لغت وارد شده است که «بیت العرب شرفها» (زهري، ۱۴۲۱ق، ج ۱۴، ص ۲۳۹)، «یقال بیت تمیم فی حنظله، بیت تمیم فی حنظله‌ای شرفهم» (مدنی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۹۰)، یعنی شرف تمیم در این است که حنظله یکی از افراد آن‌ها هست. «بیت تمیم فی حنظله»، معنای آن این نیست که خانه‌شان، این‌جا این خانه کنایه است یعنی شرافت‌شان، کرامت‌شان، بزرگی‌شان، در حنظله است، چرا که او از ایشان است». همچنین علامه حلی در «تذکره الفقهاء» چنین آورده است: «و کذا یجوز للوصی تسلیم الصبی الی معلّم الصناعه» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۶۳). کسی که وصی یک میّتی است که بچه‌های صغیری دارد می‌فرماید: جایز است که وصی آن بچه به معلم صنایع تحویل دهد که صنعتی را بیاموزند «إذا کانت مصلحتہ فی ذلک» وقتی مصلحت این طفل در این باشد «و الاقرب عندی أَنَّهُ لَا یُسَلَّمُهُ الا فی صناعه تلیقُ له و لا تُسَلَّمُ من مجده إن کان من ارباب البیوت» ایشان در ادامه می‌فرماید: اگر می‌خواهد طفل را نزد صنعت‌گر بگذارد: اولاً باید یک صنعتی باشد که شایسته او باشد (تلیق به). ثانیاً، اگر این بچه «من ارباب البیوت» است، باید در جایی گذاشته شود که مجد، عزت و شرافتش، لکه‌دار نشود و از بین نرود (لاتسلم). ایشان از تعبیر «من ارباب البیوت» استفاده نموده است، که به معنای «من ارباب الشرافه و الکرامه و العظمه» است، و گرنه تمامی اطفال از بیوت به معنای خانه هستند. پس در زبان عرب، در ادبیات عرب، و در لسان فقها این بیوت به این معنا هم آمده است. واژه «حصن» به معنای «دژ» و «فحصوهن» به معنای «آن‌ها را محفوظ بدارید»، «آن‌ها را در حصار و دژ مستحکم قرار بدهید»، می‌باشد در واقع «فحصوهن» کنایه از محفوظ داشتن است. در عبارت «إحتسبوا یا فأحسبوا»، «فأحسبوا» نیز به معنای این است که آن‌ها را پایبند کنید و بالبیوت محفوظ بدارید، به این مفهوم که آن‌ها را متصل به بیوت کنید، یعنی با آنها ازدواج کنید؛ چراکه وقتی آنان در یک خانواده‌ای قرار بگیرند که آن خانواده شرافت دارند و اهل تقوا و فضیلت است، از زدالت‌ها و فسق و فجور دور هستند، زنان نیز، به جهت آنکه در آن خانواده‌ها قرار می‌گیرند، تحفظ بر او می‌شود.

در «تاج العروس» چنین آمده است: «أراد: حَصَّنُوا نِسَاءَكُمْ لَا تُنْكِحُوهُنَّ غَيْرَ الْأَكْفَاءِ» (زبیدی واسطی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۶، ص ۳۷۸)؛ یعنی به غیر اکفاء، آن‌ها را تزویج نکنید، کسی که هم کفو او نیست به او تزویج نکنید، چون اگر هم کفو او نباشد، به مفسده می‌افتد. پس، در لغت عرب و در عرف عرب، چنین معنایی را می‌توان مشاهده نمود. بنابراین، هرچند ظاهر بدوی این روایات این است که زنان را در خانه نگه دارید، اما با توجه به این تعابیری که وجود دارد، شاید معنای این عبارات این احتمال آخر باشد (شب زنده‌دار، ۱۳۹۷/۰۹/۱۸).

وجه پنجم؛ این است که با شرایطی شاید بتوان گفت، مراد از روایات، توجه و اهتمام مردان نسبت به امورات زنان باشد؛ بدین مفهوم که کلمه «بیوت»، بر وزن فُعُول، جمع بیت نباشد، بلکه «بیوت» بر وزن تَنَوَّر باشد. در معنای بیوت گفته شده «چیزی که انسان پای آن می‌ایستد و به آن اهتمام می‌ورزد» در لغت چنین آمده است: «و البیوتُ أيضاً: الأمرُ بیبَتُ علیه صاحبُه مهتماً به» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۴۵). برخی نیز چنین گفته‌اند: «و البیوتُ، کتنور: الماءُ بیبَتُ لیلًا، و الخبزُ الغابُ، کالبیوت، و الأمرُ بیبَتُ صاحبُه علیه مهتماً به» (مدنی، ۱۴۲۶ق، ص ۳) «بیوت» به معنای خوابیدن پیش او نیست چون بات، به معنای این است که «اقام عنده لیلًا سواءً نام أم لم ینم»؛ پس با این تعبیر، بیوت به این معنا می‌شود که یک چیزی که انسان کنار آن می‌ایستد و از آن مواظبت می‌کند و نسبت به او، اهتمام به خرج می‌دهد. بنابراین، احتمالاً «حَصَّنُوهُم بِالْبِیُوتِ» در این روایات، یعنی از زنان مراقبت کنید، اهتمام به آن‌ها بورزید و رهایشان نکنید؛ چون طبق روایات، هم و توجه زنان، متمرکز به مردان است؛ پس باید تحت مراقبت مردان قرار گیرند و مردان اهتمام به حال‌شان داشته باشند (شب زنده‌دار، ۱۳۹۷/۹/۱۸).

جمع‌بندی وجوه

در نقد وجه چهارم و به ویژه احتمال آخر می‌توان گفت، که پذیرش آن‌ها بسیار دور از ذهن و بعید است، به خصوص اینکه، الفاظ در لسان روایات، حمل بر معانی عرفی می‌شوند، مگر اینکه قرینه خارجی بر استعمال لفظ در غیر آن معنا وجود داشته باشد. در روایات مذکور با اینکه از فراوانی قابل توجهی برخوردار هستند، چنین قراین و شواهدی به چشم نمی‌خورد. به خصوص، وجود الفاظی چون «فاحبسوهن» که صراحت در معنای حبس و منع از خروج دارد. در مورد نحوه تلفظ هم باید گفت، با توجه به کثرت نقل روایات در الفاظ مذکور، به نحوی که مشهور نقل کرده‌اند و عدم قرینه‌ای مبنی بر صحت ادعای مطروحه نیامده است، پس پذیرش آن، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد (شب زنده‌دار، ۱۳۹۷/۹/۱۸). در مورد وجه دوم، می‌توان گفت که استنباط مطلق کراهت از صیغه و هیأت امر، چندان صحیح به نظر نمی‌آید؛ زیرا آنچه از امر قابل استنباط است، وجوب یا استحباب انجام فعل است. لذا، چون در روایات از صیغه نهی استفاده نشده است، استنباط مطلق کراهت خروج زن از منزل، چندان صحیح نیست.

وجه سوم از میان احتمالات یاد شده با سیاق روایات و شرایط جامعه زمان صدور روایات سازگاری بیشتری دارد. بنابراین، می‌توان به عنوان یک احتمال قوی این مسئله را مطرح نمود که امر به حبس زنان در خلنه و منع از خروج آنان، یک امر ارشادی و توصیه‌ای عاقلانه، با در نظر گرفتن شرایط جامعه بوده است. این احتمال با عدم تغییر رویه زنان پیامبر و معصومین (ع) و سیره متشرعه برای حضور در اجتماع، پس از صدور این روایات، تقویت می‌شود. لذا، امر در روایات مذکور دلالتی بر وجوب یا استحباب نخواهد داشت.

در نتیجه، چنانچه شرایط حضور زنان در اجتماع تغییر کند، به طوری که مصلحت حضور بیش از مفسده‌اش باشد، یا اصلاً مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، این امر ارشادی فاقد شرایط اجرا خواهد شد. در مورد وجه اول می‌توان گفت، اگر بپذیریم، امر در روایات اساساً ارشادی بوده نه مولوی، دیگر نمی‌توان، به نحو ابتدایی، مطلوبیت خانه‌نشینی زن یا محبوس داشتن او در منزل از منظر شارع مقدس را از روایات به دست آورد؛ لذا حمل صیغه امر در روایات به استحباب و فضیلت‌انگاری حبس زنان در خانه بدون وجه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی مبانی دیدگاه فقهی «استحباب منع خروج زنان از منزل» به این نتایج دست یافت:

- ۱- از آیات مورد استناد نمی‌توان وجوب در خلنه ملندن و عدم خروج از منزل را اثبات نمود و با فرض اثبات، این حکم منحصر به همسران نبی اکرم خواهد بود.
- ۲- روایاتی که مستفاد از آنها، حبس زنان در منزل توسط شوهر، واجب شمرده شده است، به دلیل مفسد عقلی و تعارض با دستورات قرآنی چون عشرت به معروف با همسران، باید به وجوهی غیر از وجوب توجیه شود.
- ۳- امر به حبس زنان در خانه و منع از خروج آنان، یک امر ارشادی و توصیه‌ای عاقلانه، با در نظر گرفتن شرایط جامعه بوده است.
- ۴- امر در روایات مورد بحث، دلالتی بر وجوب یا استحباب نخواهد داشت. بنابراین، چنانچه شرایط حضور زنان در اجتماع تغییر کند، به طوری که مصلحت حضور آنان، بیش از مفسده‌اش باشد، یا اصلاً مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، این امر ارشادی فاقد شرایط اجرا خواهد شد.

منابع

قرآن کریم.

- ازهری، محمد. (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۴.
- تبریزی، جواد. (۱۴۲۷ق). *صراط النجاه*. قم: دار الصدیقه الشهدک داراحیاء التراث، ج ۸.
- جصاص، ابوبکر. (۱۴۰۵ق). *احکام القرآن*. محقق محمدصادق قمحوی. بیروت- لبنان: دار احیاء التراث العربی، ج ۵.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۱۰ق). *الصحاح*. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۱.
- حلی، حسن (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البیت (ع)، ج ۱۴.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. مصحح صفوان عدنان داودی. لبنان- سوریه: دارالعلم- الدار الشامیه.
- رشید رضا، محمد (بی‌تا). *تفسیر المنار*. بیروت: دارالفکر.
- زبیدی واسطی، محمد (۱۴۱۱ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت- لبنان: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ج ۱۶.
- زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه رأی‌پرداز، ج ۱.
- زهیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). *تفسیر منیر*. بیروت: دارالفکر، ج ۱۰.

- سبحانی، جعفر (۱۳۹۸/۲/۸). درس خارج فقه. قابل دسترس در:
<https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/97/980208>
شب‌زنده‌دار، محمدمهدی (۱۳۹۷/۹/۱۷). درس خارج فقه. قابل دسترس در:
<http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shabzندهdar/feqh/97/970917>
شب‌زنده‌دار، محمدمهدی (۱۳۹۷/۹/۱۸). درس خارج فقه. قابل دسترس در:
<https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shabzندهdar/feqh/97/970918>
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ج ۴.
طبرسی، فضل (۱۳۷۴). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم، ج ۸.
قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامی، چاپ ششم، ج ۲.
قرطبی، محمد (۱۴۰۵ق). *تفسیر القرطبی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۴.
کاسانی، علاء‌الدین (۱۴۰۶ق). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع*. قم: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ج ۲.
کاشانی، فتح‌الله (بی تا). *منهج الصادقین*. تهران: کتابفروشی اسلامی، ج ۷.
مجلسی محمدباقر (۱۴۰۴ق). *مرآه العقول*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ج ۲۰.
مدنی، علی (۱۴۲۶ق). *کتاب الطراز*. قم: موسسه آل‌البتیة للاحیاء التراث، ج ۳.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *مسأله حجاب*. تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجاه و دوم.
مطهری، مرتضی (بی تا). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۵ق). *تفسیر مبین*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ج ۱۷.
میبدی، احمد (۱۳۷۱). *کشف الاسرار*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ج ۸.
هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۶). *الگوی سوم*. تهران: لشکر فرشتگان، چاپ دوم.
یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹ق). *العروه الوثقی فیما تعم به البلوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵.